



ارتقاء کارایی و اثربخشی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارتقاء اثر بخشی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

تهیه و تدوین: مرکز رصد فرهنگی

تاریخ انتشار: ۱۸ خرداد ۱۴۰۱

گزارش رصد فرهنگی (۲۲)

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹

تلفن: ۸۸۹۱۹۱۸۰

مرکز رصد فرهنگی کشور: www.ircud.ir

فهرست

۱	مقدمه
۲	وضعیت موجود
۲	دولت محوری کانون ها
۳	کم توجهی به مشارکت اجتماعی و مدنی
۳	توقف در ساختار و تشکیلات اجرایی
۵	ضعف محصولات فرهنگی و هنری خلاق
۶	توصیه های سیاستی
۶	نقش هماهنگی و راهبری ستاد
۷	کانون ها به مثابه تشکل های مدنی
۷	کانون ها به مثابه فضای عمومی
۸	تولید محصولات فرهنگی و هنری
۸	ارتقاء کارکرد خدمات اجتماعی
۱۱	فرهنگ و هنر برای اقشار فرودست

مقدمه

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۱۸، هیئت «هدایت، ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی»، ذیل «وزارت فرهنگی و ارشاد اسلامی» با هدف احیاء نقش فرهنگی مساجد تشکیل شد و این هیئت، «کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» را تشکیل داد. سپس این هیئت به «ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» تغییر نام داد. از آن زمان، حدود ۲۷ سال می‌گذرد و تاکنون ۲۵ هزار و ۹۹۳ کانون تشکیل شده است. اما اساس نامه ستاد با درخواست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باهدف هماهنگی و انسجام و تقویت کانون‌ها، در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۳ ابلاغ شد. طبق اساس نامه، اهداف ستاد عبارت است از:

۱. احیای نقش واقعی فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی مساجد
 ۲. تربیت و رشد نیروهای متعهد، انقلابی و کارآمد در حوزه فرهنگ و هنر
 ۳. توسعه فرهنگ اصیل اسلامی در شهرها و روستاهای کشور
 ۴. مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان
- برای رسیدن به این اهداف، وظایف و اختیارات ستاد عبارت است از:
- برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی، انسجام و تقویت فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد
 - ساماندهی و کمک به راه‌اندازی و تجهیز کانون‌های فرهنگی و هنری و کتابخانه‌های مساجد
 - به‌روزرسانی بانک اطلاعات کانون‌ها
 - کمک به تولید و عرضه محصولات فرهنگی و دینی
 - کمک به ایجاد و توسعه پایگاه‌های دیجیتال در حوزه فعالیت‌های مساجد
 - شناسایی، جذب و آموزش و حمایت از استعدادها و نخبگان فرهنگی و هنری
 - تخصصی شدن کانون‌ها و کتابخانه‌های فرهنگی و هنری مساجد
 - حمایت و هدایت فعالیت‌های فرهنگی و هنری کانون‌ها
 - تبادل فرهنگی و هنری با مراکز علمی و فرهنگی داخلی و خارجی
 - زمینه‌سازی برای پیوند شبکه کانون‌های مساجد با خانواده‌ها، مدارس و مراکز و نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی

به نظر می‌رسد که ضرورت ایجاد اساس نامه و تجدید ساختار و تدوین فرایندهای سازمانی و هدایتی و سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی (پس از ۲۸ سال)، رساندن کانون‌ها به شکل‌هایی با بیشترین کارایی و اثربخشی بوده است که به نظر می‌رسد تاکنون نداشته‌اند و عملکرد آن‌ها با استفاده از حداکثر ظرفیت‌ها نبوده و سیاست‌های راهبردی‌کننده مناسبی نداشته‌اند. بر این اساس، هدف ستاد این بوده است که کانون‌ها به جایگاه واقعی‌شان برسند، و در این راستا به سیاست‌ها و راهبردهای عملیاتی و محتوایی نیاز دارند.

گزارش ارزیابی عملکرد «ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد»، توسط دفتر نظارت و ارزیابی شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده است و منبع آن بر اساس گزارشی از شرح فعالیت‌ها و اقداماتی بوده است که

ستاد مذکور به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کرده است. هدف گزارش مذکور، ارزیابی میزان اجرایی شدن مصوبه «اساسنامه ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» یا به عبارت دیگر، میزان اجرایی شدن وظایف و اهداف ستاد بوده است.

اما هدف ما در این گزارش، بررسی و تحلیل عملکرد «ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» و عملکرد «کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» بر اساس داده‌ها و اطلاعات گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ بر اساس این بررسی، سعی بر این است که پیشنهادهایی راهبردی برای ستاد، جهت افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد داشته باشیم. امیدواریم که این گزارش به ارتقاء کارایی و اثربخشی ستاد و فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کمک کند.

وضعیت موجود

نتایج کلی از تحلیل داده‌ها و اطلاعات گزارش ارزیابی عملکرد ستاد که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی نگارش شده است، چهار مضمون را شامل می‌شود: ۱- دولت‌محوری کانون‌ها؛ ۲- کم‌توجهی به مشارکت اجتماعی و مدنی ۳- توقف در ساختار و تشکیلات اجرایی ۴- ضعف محصولات فرهنگی و هنری. در ادامه، هر کدام از مضامین مذکور به‌طور مختصر تشریح می‌شود:

دولت‌محوری کانون‌ها

هدف کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد آن‌گونه که عنوان شده است، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مردمی برای اهداف فرهنگی و هنری است. طبق ماده یک اساسنامه: «ستاد، تشکیلاتی غیردولتی و غیرانتفاعی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که استقلال مالی، اداری و استخدامی دارد.» اما هم مواد بعدی اساسنامه و به‌ویژه مواد مربوط به ارکان ستاد (در سطح ملی و استانی) و هم روند اجرایی، نشان از دولتی بودن این ستاد دارد. رئیس ستاد، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین می‌شود و اعضای شورای سیاست‌گذاری و نظارت (در سطح ملی و استان‌ها)، و رئیس و اعضای استانی، همه از مقامات دولتی و حکومتی هستند و روند انتخاب اعضاء و مقامات ستاد در سطح ملی و استانی نیز کاملاً رسمی و دولتی است. احکام تمامی شوراهای استانی، توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر می‌شود.

در سطح کانون‌ها نیز مدیرمسئول هر کانون را امام جماعت هر مسجد انتخاب می‌کند که در ساختار فعلی عملاً مقامی رسمی محسوب می‌شود. البته طبق تبصره‌ای در اساسنامه: «مساجد، هویت مستقل داشته و تحت نظر ائمه جماعت اداره می‌شوند و مدیرمسئول کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد برای ارائه خدمات فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی توسط امام جماعت پیشنهاد می‌شوند». اما در عمل، امام جماعت مساجد نیز در ساختار کنونی، نماینده‌ای از سوی دولت تلقی می‌شود. بنابراین از بالا تا پایین، انتصابات و نقش‌ها، یا دولتی و حکومتی است یا نقش دولت تعیین‌کننده است و در این انتخاب‌ها، تشکل‌های مدنی - مذهبی نقشی ندارند.

به لحاظ بودجه و نیروی انسانی نیز، ستاد در تهران و استان‌ها، دارای ساختار سازمانی و نیروی انسانی است و عموماً با بودجه دولتی اداره می‌شود: منابع مالی ستاد عبارت‌اند از:

- ۱- بودجه دولت از محل اعتبارات عمومی در قانون بودجه کل کشور در قالب ردیف مشخص
- ۲- هدایا و کمک‌های بلاعوض اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله موقوفات و کمک‌های خیرین
- ۳- عواید و درآمدهای حاصل از فعالیت‌ها و خدمات ستاد

۴- وام‌ها و تسهیلات دریافتی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در چارچوب ضوابط و مقررات کشور؛ کانون‌ها نیروی انسانی استخدام می‌کنند و به‌مثابه یک سازمان دولتی اداره می‌شوند. درحالی‌که اگر برای کانون‌ها، جایگاه مدنی و مردم‌نهاد- مذهبی و فرهنگی در نظر داشته باشیم، عضویت و فعالیت در کانون‌ها باید داوطلبانه و برای خیر عمومی باشد و نه به‌صورت استخدامی و کارکنان دولتی؛ نگاه به بودجه دولتی ستاد و فعالیت کانون‌ها در سخن رئیس ستاد آشکار است، اخیراً رئیس ستاد اظهار امیدواری کرده است که: «با همراهی مجلس شورای اسلامی اعتبار و بودجه کانون‌های فرهنگی هنری مساجد افزایش یابد».

بنابراین یکی از آسیب‌های که می‌توان برای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد عنوان کرد، پررنگ بودن نقش دولت و حاکمیت هم در ساختار و تشکیلات و هم در محتواها و برنامه‌های فرهنگی است. دولت‌محوری پیامدهای منفی برای کانون‌ها خواهد داشت از جمله:

- طرد برخی از اقشار و لایه‌های اجتماعی از فضای کانون‌ها
- کاهش اعتماد عمومی به فعالیت‌ها و اقدامات کانون‌ها
- کاهش امکان استفاده از ظرفیت‌های مردمی به لحاظ مالی و اقدامات داوطلبانه
- وابسته بودن فعالیت کانون‌ها به بودجه و طرح‌های دولتی، دولتی و سیاسی شدن بیش از حد کانون‌ها به‌عنوان نهادی دینی فرهنگی

کم‌توجهی به مشارکت اجتماعی و مدنی

نتیجه دولتی بودن بیش از حد فعالیت کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، توجه کمتر به جلب مشارکت‌های مردمی و مدنی است که از اهداف اولیه کانون‌ها است. اساساً مسجد جایگاه و نهادی بوده است که از سوی مردم و توسط مردم اداره می‌شده است و نهادهای چون کانون- مسجد نیز در همین راستا باید بر اساس شبکه روابط و مشارکت‌های مردمی (تصمیم‌گیری، مسائل مالی، اجرایی، برنامه‌ها و تولیدات محتوایی و ...) حرکت کند. اگرچه مشارکت‌های مردمی در وضعیت موجود نیز اهمیت دارد و بخشی از مسائل مالی و همچنین اقدامات بر اساس اقدامات داوطلبانه مردمی است، اما رویکرد اساسی کانون‌ها، دولت‌محوری است و مشارکت مردمی فقط نقش مکمل و کمکی دارد.

توقف در ساختار و تشکیلات اجرایی

دولتی بودن بیش از حد ستاد هماهنگی و خود کانون‌ها، باعث شده است که فعالیت‌ها بیشتر در قالب تشکیلاتی متوقف شود و حرکت به سمت برنامه‌های محتوایی فرهنگی و هنری، با تأخیر مواجه باشد؛ از محتوای گزارش دفتر نظارت و ارزیابی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌توان نتیجه گرفت که ستاد تاکنون بیشتر به الزامات تشکیلاتی و مالی و نیروی انسانی کانون‌ها پرداخته و سیاست‌های محتوایی (فرهنگی، هنری و اجتماعی) کمتر پیش‌گرفته شده است. به‌عبارت‌دیگر، تمرکز و توقف ستاد در ساختار و تشکیلات و فرایندهای اجرایی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و تأخیر در ورود به برنامه‌های محتوایی (فرهنگی، هنری و اجتماعی)؛ ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد تاکنون ۷ جلسه برگزار کرده و ۳۱ مصوبه داشته است که این مصوبات بیشتر جنبه ساختاری و تشکیلاتی و اجرایی دارند. علاوه بر جلسات مستمر شورای معاونین و برنامه‌ریزی ستاد که به‌صورت هفتگی برگزار می‌شود،

در مجموع حدود ۴۰۰ جلسه در سطوح استانی، شهرستان و جلسات نخبگانی باهدف انسجام‌بخشی به فعالیت کانون‌ها برگزار شده است که عموماً برای مباحث تشکیلاتی و اجرای به بحث و بررسی پرداخته‌اند. در بخش چهارم گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی دربارهٔ عملکرد ستاد با عنوان: «جمع‌بندی ارزیابی میزان اجرایی شدن مصوبه»، شاخص‌های ارزیابی در هشت بند، عموماً کمی و اجرایی بوده است که عبارت است از: تشکیلات، راه‌اندازی و تجهیز کانون‌ها، نیروی انسانی، تعداد اعضا کانون‌ها، تأسیس کتابخانه، ایجاد و به‌روزرسانی بانک اطلاعات کانون‌ها، ایجاد پایگاه‌های اینترنتی، تعداد جلسات، ارتباط با سازمان‌ها برای جذب سرمایه؛ بنابراین عموم اقدامات در زمینهٔ ایجاد ساختار و تشکیلات و جذب و سرمایه و نیروی انسانی بوده است و هنوز فرصتی برای محتوای فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی (به‌عنوان هدف اصلی کانون‌ها) ایجاد نشده است و تمرکز ستاد، هنوز بر بخش کمی و تشکیلاتی است تا محتوایی.

در گزارشی که ستاد برای شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کرده است، موارد ذیل ارائه نشده است:

- تعداد نخبگان جذب شده و حمایت‌شده در کانون‌ها
- ارتباط با مراکز فرهنگی خارج از کشور
- تعداد همایش‌ها
- تعداد سیاست‌ها و راهبردهای کلان تصویب و اجراشده
- تعداد نیروهای موردنیاز به تفکیک کانون‌ها در استان‌ها
- گزارش مالی تولید محصولات فرهنگی و قراردادها

این قضیه نشان می‌دهد که ستاد، هنوز متمرکز بر ساختار و فرایندهای تشکیلاتی است و ورود به برنامه‌های محتوای فرهنگی، در اولویت بعدی قرار دارد. همچنین طبق گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایده‌ها زیاد بوده است اما اقدامات به‌اندازهٔ ایده‌ها نبوده است. تولید و عرضهٔ محصولات فرهنگی، رشد مطلوبی نداشته است و در زمینهٔ درآمدزایی از محصولات نیز گزارشی ارسال نشده است (که این نشان می‌دهد برنامه‌های محتوایی و فرهنگی، هنوز در رأس اقدامات نیست).

در حوزهٔ میزان پیشرفت در «ایجاد و توسعهٔ بانک اطلاعاتی» نیز، رکوردهایی برای ۳۵ قلم آماری ثبت شده است که بیشترین تعداد آن‌ها در حوزهٔ شاخص فعالیت‌های تشکیلاتی و مشارکتی است. مهم‌ترین اقدام در این حوزه، ایجاد سامانهٔ «بچه‌های مسجد» و طرح جامع استقرار نظام «فهما» (فرهنگی هنری مساجد ایران) بوده است که تحولی در نظام آمار و اطلاعات این مجموعه فرهنگی به حساب می‌آید. سامانه بچه‌های مسجد برای ثبت اطلاعات کانون‌های فرهنگی و هنری در سراسر کشور ایجاد شده است. شبکه و سامانهٔ ملی فهما از طرف ستاد راه‌اندازی شده و در راستای ثبت نام اعضای کانون‌ها، ثبت فعالیت‌ها و رویدادها فعالیت می‌کند. بر اساس این طرح، برترین کانون‌های فرهنگی و هنری و همچنین برترین ستاد استانی با بررسی‌های انجام‌شده از طریق سامانه معرفی می‌شوند. مسئولان و رابطان کانون‌ها نقش مهمی در راستای ثبت اطلاعات و تشویق و ترغیب اعضا برای اقدام به ثبت نام در سامانه فهما دارند. با استفاده از سامانهٔ فهما هر کانونی می‌تواند از وضعیت خود مطلع شود و فعالیت‌های خود را با دیگر کانون‌های شهری، استانی و کشوری مقایسه کند. با هدف انسجام‌بخشی، شبکه فهما توانسته است کانون‌هایی که در طول ۲۷ سال

منسجم نبودند را در یک شبکه انسجام ببخشد. بنابراین شبکه فہما در بستر فضای مجازی برای هماهنگی و انسجام‌بخشی به فعالیت‌های کانون‌ها است و همه کانون‌ها می‌توانند در هر لحظه عملکرد خود را مشاهده کنند. اما با وجود اینکه شبکه ملی فہما، زمینه ارتباط شبکه‌ای کانون‌های کل کشور را از نظر اجرایی هماهنگ می‌کند (ثبت مجوزها، ثبت فعالیت کانون‌ها، ثبت اعضا و شناسایی کانون‌های برتر و...) اما از نظر محتوایی، توسعه چندانی نیافته است. یکی از اهداف فہما، کیفی‌سازی فعالیت‌ها و برنامه‌های فرهنگی کانون‌های مساجد بوده است اما رقابتی که در کانون‌های در شبکه فہما بین کانون‌های سراسر کشور به وجود آمده است و مدیران ستادهای استانی سعی در کسب رتبه‌های برتر کانون‌های زیرمجموعه خود دارند، بیشتر حول فعالیت‌ها و برنامه‌های جاری و معمول می‌چرخد و کمتر به خلاقیت و ایده‌های فرهنگی و هنری می‌پردازند. تولید کالاها و محصولات خلاق فرهنگی و هنری، کمتر مورد توجه بوده است و یکی از دلایل آن شاید حضور کم‌رنگ اعضا خلاق هنری در کانون‌ها و دوم، توجه کمتر ستاد به تولید محصولات فرهنگی و هنری در رقابت‌ها بوده است و کمی‌گرایی (آن هم در سطح برنامه‌های مناسبی و معمول)، مواد اصلی رقابت‌ها را شکل می‌دهد. به نظر می‌رسد زمان آن است که رقابت‌ها در سطح ایده‌های عملی شده در قالب کالاهای خلاق فرهنگی و هنری شکل بگیرد تا کانون‌ها به‌صورت از اعضا خلاق فرهنگی و هنری جذب کنند.

در شبکه ملی فہما هر کانون دارای صفحه شخصی است که فعالیت‌های خود را در آن بارگزاری می‌کند و بر اساس فعالیت‌های انجام شده امتیاز دریافت می‌کند و از این طریق می‌تواند در افزایش یا کاهش بودجه‌های فرهنگی اختصاص یافته به کانون‌ها سهیم شود؛ همان‌طور که مشخص است، نوعی رقابت برای کمیت برنامه‌های مناسبی و معمول برای افزایش بودجه وجود دارد که باعث می‌شود کانون‌ها کمتر به سمت ایده‌های خلاقانه فرهنگی و هنری و تولید محصولات خلاق سوق یابند و بیشتر سعی کنند برنامه‌ها و اقدامات مناسبی را افزایش دهند تا به بودجه دولتی بیشتری دست یابند. البته ناگفته نماند که بسیاری از کانون‌ها (در سطح شهرها و روستاها) از جمله در اردبیل، گیلان و ... در شرایط کرونا و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی، کلاس‌های آموزشی از قبیل خیاطی، کامپیوتر، صنایع دستی، کلاس‌های تقویتی دروس، مسابقات کتاب‌خوانی و ... داشته‌اند که شایسته تقدیر است که البته باید در این زمینه بیشتر به خلاقیت هنری و فرهنگی توجه کرد.

ضعف محصولات فرهنگی و هنری خلاق

طبق گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بین تولیدات فرهنگی، بیشترین آمار ثبت و تأیید شده، در سطح ایده بوده است. تولید محصولات فرهنگی و هنری در فضای مجازی علی‌رغم اهمیت، سهم کمی در بین تولیدات ثبت شده دارد. همچنین آثار هنری شامل فیلم، نمایش و سرود، در مجموع کمتر از هشت درصد کل تولیدات را شامل می‌شود. این نشان می‌دهد که کانون‌ها در سطح ایده پردازی توقف کرده و به سمت تولید محصولات فرهنگی به‌صورت عمیق و گسترده حرکت نکرده‌اند و کمتر آثار صوتی، بصری و آثار فضای مجازی تولید شده است. بنابراین به دلیل محدود بودن تولید فرهنگی، درآمدزایی حاصل از فروش محصولات نیز اساساً وجود نداشته است و در گزارش خود ستاد نیز آماری از آن ارائه نشده است.

در رتبه‌بندی شبکه ملی فہما برای کانون‌ها از میان هشت شاخص، بیشترین امتیاز کسب‌شده از بین فعالیت‌ها و اقدامات، به «غنی‌سازی اوقات فراغت» اختصاص داده شده است: (۳۰,۲۱ درصد)؛ پس‌از آن، شاخص «پاسداشت مناسبت‌های ملی و مذهبی با ۲۲,۸۸ درصد قرار دارد. این در حالی است که کمترین امتیاز به فضای مجازی و رسانه (زیر یک درصد)، خلاقیت و نوآوری (زیر یک درصد) و ارتقای فعالیت‌های هنری و ادبی کانون‌ها (زیر یک درصد) اختصاص داده شده است. این آمار نشان می‌دهد که خلاقیت و نوآوری هنری و فرهنگی چندان جایگاهی در فعالیت کانون‌ها ندارد و به همین دلیل نیز رتبه‌بندی کانون‌ها در شبکه فہما، بر اساس فعالیت‌های روتین مناسبتی و همچنین شاخص «غنی‌سازی اوقات فراغت» قرار دارد. گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی از عملکرد ستاد اذعان دارد که باید خلاقیت هنری و فرهنگی (که در اینجا ضعف کانون‌ها محسوب می‌شود) در اولویت برنامه‌های ستاد و کانون‌ها قرار بگیرد.

بنابراین همان‌طور که گفته شد، به دلیل دولتی بودن بیش‌ازحد کانون‌ها و همچنین توقف در ساختار و تشکیلات و روندهای عملیاتی و اجرایی، برنامه‌ها و ایده‌های فرهنگی و هنری خلاق در کانون‌ها مغفول بوده است. به‌ویژه اینکه، استفاده از فرهنگ و هنر و محصولات فرهنگی و هنری برای جذب عموم مردم به اهداف کانون‌ها، باید بیشتر مدنظر قرار بگیرد. در این مسیر هم لازم است که کانون‌ها مدنی‌تر شوند و هم اینکه در جذب اعضاء، به توانمندی‌های فرهنگی و هنری افراد توجه بیشتری شود. با بررسی برنامه‌های فرهنگی کانون‌ها، مشخص می‌شود که این برنامه‌ها هم مناسبت محور هستند و هم خلاقیت هنری کمتری در ارائه خدمات فرهنگی و هنری دارند. تولید کالاها و خدمات فرهنگی و هنری به‌ویژه برای اقشار اجتماعی و فرودست که دسترسی رسمی کمتری به فرهنگ و هنر دارند، می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد.

توصیه‌های سیاستی

مبتنی بر نقش «سازمانی و راهبری» ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و به‌ویژه «سیاست‌ها و راهبردهای محتوایی- فرهنگی و اجتماعی»، پیشنهادهایی در جهت افزایش کارایی و اثربخشی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد ارائه می‌شود. توصیه‌های سیاستی، شش محور و مضمون را شامل می‌شود که عبارت است از: ۱- تکیه بر نقش هماهنگی و راهبری ستاد ۲- تأکید بر کانون‌ها به‌عنوان نهادهای مدنی و مردمی ۳- تأکید بر کانون‌ها به‌مثابه فضای عمومی ۴- تأکید بر تولید کالاها و خدمات فرهنگی و هنری خلاق در کانون‌ها ۵- ارتقاء کارکرد خدمات و حمایت‌های اجتماعی به‌ویژه در اقشار فرودست ۶- تأکید بر مشارکت و جذب کودکان و نوجوانان اقشار فرودست در فرایندهای فرهنگی و هنری در کانون‌ها.

نقش هماهنگی و راهبری ستاد

ضروری است که ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، بیشتر بر الزامات راهبری و هماهنگی مبتنی بر نقش ستادی متکی باشد. در این نقش و جایگاه، سیاست‌های هماهنگی و راهبردی از سوی ستاد به کانون‌ها ارائه می‌شود و امور تشکیلاتی، مالی و انسانی، محتوایی و ...، به‌طور واقعی به جامعه مدنی و مذهبی کشور (در اقشار و

لایه‌های مختلف مردم) واگذار می‌شود. بنابراین راهبرد عملی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، باید مبتنی بر شبکه‌سازی مدنی و مشارکت مردمی باشد و نه مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا (در ستاد در سطح ملی و استانی) و کادرسازی سازمانی و با بودجه دولتی؛ در این صورت است که کانون‌ها عملاً به‌مثابه نوعی نهاد مدنی و مردمی عمل می‌کنند و می‌توانند از تمامی ظرفیت‌های مردمی (مالی، نیروی انسانی، شبکه اجتماعی و ...) در راستای اهداف ستاد و اکنون‌ها اقدام کنند.

کانون‌ها به‌مثابه تشکل‌های مدنی

این امر زمانی مقدور است که رویکرد سیاستی و کانون‌ها، به سمت نوعی تشکل و نهاد مدنی و اجتماعی و ارتباط‌گیری با لایه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی باشد، نه نوعی سازمان با اهداف فرهنگی محدود به اقشار و لایه‌های خاص از جامعه؛ در این صورت، جذب همه ظرفیت‌های مردمی و مشارکت مردمی (که هدف مهم و اصلی است) امکان‌پذیر است. کانون‌ها باید اعتماد و همکاری همه لایه‌های جامعه در مناطق مختلف کشور را جذب کنند. اما هم‌اکنون این تصور وجود دارد که عملکرد کانون‌ها، بر اساس فعالیت‌های دینی و تبلیغی مبتنی بر یک رویکرد خاص - گرایانه و مبتنی بر تفکر و قرائت دینی استوار است و عملکرد شمول‌گرایانه و اجتماعی و عام‌گرایانه آن‌ها کمتر مورد توجه است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی‌ای که کانون‌ها می‌توانند جذب کنند، محدود می‌شود و در نتیجه نفوذ و اثربخشی آن‌ها نیز کاسته خواهد شد.

بنابراین راهبرد عملی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، باید مبتنی بر شبکه‌سازی و مشارکت مردمی باشد و نه مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا و کادرسازی سازمانی و با بودجه دولتی؛ به زبان دیگر، کانون - مسجد، باید نهادی برای اتکاء مردم و جلب اعتماد و مشارکت عمومی باشد. شبکه‌ای اجتماعی (با محتوای فرهنگی، دینی و اجتماعی) که به لحاظ فیزیکی نیز در هر مسجدی دفتر دارد. در این صورت تأثیرات شبکه اجتماعی کانون‌ها، گسترده و عمیق خواهد بود و این شبکه اجتماعی می‌تواند ظرفیت فرهنگی، هنر و اجتماعی بزرگی را ایجاد کند. همین شبکه اجتماعی مردمی بود که پیش از انقلاب توانست از حداکثر ظرفیت‌های مردمی استفاده کند و این نیروی اجتماعی گسترده در سراسر کشور خود را نشان داد؛ سرمایه اجتماعی به وجود آمده در شبکه اجتماعی مساجد ایران توانست در انقلاب اسلامی نقش مهمی را ایفا کند. بنابراین بهتر است که فعالیت‌های دینی و فرهنگی بر حیات مدنی استوار باشد و از تشکیلات رسمی به سمت سازمان‌های مردم‌نهاد و مدنی سوق یابد. در رویکردی مشابه، تشکیل «کانون‌های فرهنگی محلات» یکی از محمل‌های مهم شهرداری تهران در جلب مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و اجرای امور فرهنگی در شهر تهران بوده است.

کانون‌ها به‌مثابه فضای عمومی

اگر رویکرد کانون‌ها، بر اساس شبکه‌های اجتماعی مدنی استوار باشد، این کانون‌ها به‌مثابه فضایی عمومی خواهند بود نه فضای خصوصی برای فقط لایه‌ها و اقشار خاصی از جامعه؛ از نظر تاریخی نیز مسجد در جهان اسلام و در ایران، یک «فضای عمومی» بوده است. خصوصیت مسجد در این بوده است که به گروه، طبقه، نژاد یا قومیت خاصی از مردم اختصاص ندارد و افراد مختلف با فرهنگ‌های گوناگون و در سنین مختلف بدون هیچ محدودیتی می‌توانند از آن

استفاده کنند. اگر مساجد و کانون‌ها، با رویکرد مردم‌نهاد و مدنی و مبتنی بر شبکه‌های متنوع اجتماعی باشد، این فضا، «فضای عمومی» است که قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگی بالایی خواهد داشت. اما با تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی طی دهه‌های گذشته و به‌ویژه افزایش تنوع در دین‌داری، مساجد و کانون‌های فرهنگی و هنری، تا حدی ویژگی فضای عمومی بودن را از دست داده‌اند و فقط اقشار و لایه‌های خاصی از جامعه، مخاطب این فضاها هستند. بنابراین در جهت اینکه کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، فضایی عمومی و تشکلهایی مدنی و اجتماعی باشند، باید تا آنجا که ممکن است از تبدیل شدن آن‌ها به فضاهایی سیاسی پرهیز کرد. اجتناب از فضای سیاسی و جریان‌ات سیاسی در کشور، می‌تواند فضای کانون‌ها و مساجد را عمومی‌تر و فرهنگی و مذهبی‌تر سازد و مسجد مکان امن‌تر و قابل‌اعتمادتری برای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی شود.

تولید محصولات فرهنگی و هنری

همان‌طور که در بخش‌های قبلی گفته شد، فعالیت کانون‌ها بیشتر بر برنامه‌های مناسبی و معمولی بوده است که در دیگر نهادهای رسمی کشور نیز وجود دارد. خلاقیت و نوآوری و ارتقای فعالیت‌های هنری و ادبی کانون‌ها بسیار محدود بوده است و چندان جایگاهی در فعالیت کانون‌ها ندارد و به همین دلیل نیز رتبه‌بندی کانون‌ها در شبکه فہما، بر اساس فعالیت‌های روتین مناسبی و شاخص‌نہ‌چندان مشخص «غنی‌سازی اوقات فراغت» قرار داشته است. گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی از عملکرد ستاد اذعان دارد که باید خلاقیت هنری و فرهنگی (که در اینجا ضعف کانون‌ها محسوب می‌شود) در اولویت برنامه‌های ستاد و کانون‌ها قرار بگیرد. برای ارتقاء کانون‌ها به سمت تولیدات فرهنگی و هنری، باید هم رویکرد به کانون‌ها را مدنی‌تر در نظر گرفت و هم اینکه در عضوگیری، به نخبگان فرهنگی و هنری با ایده‌های خوب، فضای مشارکت داده شود. همچنین، شاخص‌های رتبه‌بندی کانون‌ها نیز (اگر چه نه برای ارائه بودجه دولتی بیشتر به کانون‌ها بلکه برای تشویق و ترغیب بیشتر) از شاخص‌های کمی و برنامه‌های معمول جدولی، به سمت ایده‌های نو و ارائه محصولات فرهنگی و هنری متعالی حرکت کرد.

ارتقاء کارکرد خدمات اجتماعی

از نظر تاریخی، مسجد در جهان اسلام و در ایران، کارکردهای اجتماعی ویژه‌ای داشته است و یکی از مهمترین دلایل نفوذ و اثرگذاری آن نیز کارکردهای اجتماعی بوده است. مسجد علاوه بر محل برگزاری نماز، محل اجتماع مسلمانان، کانون اطلاع‌رسانی و مشورت در مورد موضوعات مهم روز، محل حل مشکلات اجتماعی مردم، پناهگاه مستضعفان و در راه ماندگان و محل نگهداری بیت‌المال مسلمین بوده‌اند. همچنین مساجد نهاد اساسی آموزش در زمینه‌های قرآن، احکام، اخلاق و علمی مانند کلام و فقه و عهده‌دار کتابخانه‌های عظیم و پروتقی بوده‌اند. کارکردهای اجتماعی از قبیل فعالیت‌های امدادی، کمک‌ها و حمایت‌های مالی به شکل قرض‌الحسنه و یا رسیدگی به امور نیازمندان و ...، از دلایل اثربخشی مساجد به‌عنوان نهادی اجتماعی و مدنی بوده است. احداث صندوق‌های قرض‌الحسنه و شناسایی خیران برای مساعدت به اقشار فرودست، در مساجد انجام می‌شده است. امروزه یکی از مهم‌ترین خواسته‌های جوانان حمایت از کسب‌وکار و در مواقع بحرانی کمک مالی است و این امر در مساجد توسط هیئت‌امنا به‌وسیله صندوق‌های قرض‌الحسنه انجام می‌پذیرد که مهم‌ترین بخش آن، اعطای وام به جوانان است که

باوجود بانک‌های مختلف در اکثر مساجد کارکرد خود را از دست داده است اما با احیاء آن می‌توان به جذب افراد به مسجد کمک کرد.

کانون‌ها به‌عنوان فضای عمومی و نهاد مردمی، نقش و کارکرد همکاری، تعاون و همیاری و مشارکت اجتماعی آن را ارتقاء می‌بخشند. بنابراین چیزی که امروزه به‌عنوان سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود، باید از بستر این فضای اجتماعی و فرهنگی در سطح کل کشور برخیزد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، به سمت برنامه‌هایی از جنس خدمات اجتماعی به گروه‌ها و اقشار مختلف نیز راهبری شوند. پیشنهاد طراحی و اجرای سرفصل‌های آموزشی برای مقابله با بحران‌های طبیعی، که در گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است در همین راستا است.

یکی از عوامل موفقیت و نفوذ اجتماعی و فرهنگی اخوان‌المسلمین در زمان اوج فعالیتش در مصر، این بود که نوعی سیاست «اسلام اجتماعی» را در پیش گرفته بود و با لایه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه لایه‌های طبقات فرودستی که تشکل یافته نبودند و صدای در رسانه‌ها و سیاست نداشتند، ارتباط ارگانیک برقرار کرده و به آن‌ها خدمات‌رسانی می‌کرد. خدمات می‌تواند از گستره خدمات فرهنگی و هنری و دینی تا خدمات اجتماعی را در بر بگیرد. سیاست راهبردی کانون‌ها در ارتباط و پیوند ارگانیک با جامعه (که می‌تواند لایه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی و سنین مختلف را جذب کند) می‌تواند مبتنی بر نوعی تشکل‌های مدنی و اجتماعی باشد. هدف اولیه کانون‌ها نیز به‌نوعی همین بوده است: تقویت و احیای مساجد در هدایت ظرفیت‌های مردمی و مدنی به سمت اهداف دینی [و اخلاقی و اجتماعی]. اما شواهد نشان می‌دهد باوجود امکانات لجستیک و تشکیلاتی (۲۵ هزار و ۹۹۳ کانون مسجد محور) و با ۲۷ سال سابقه، اما این کانون‌ها اگرچه مدنی و مردمی فرض می‌شوند، اما ارتباط ارگانیک با همه بخش‌های اجتماعی برقرار نکرده و به سرمایه اجتماعی عمومی مطلوب نرسیده است.

البته هم‌اکنون برخی کانون‌های کشور، از جمله در دوران کرونا، رویکرد خدمات اجتماعی داشته‌اند که این رویکرد باید تقویت شود. کانون‌ها از ابتدای شیوع بیماری کرونا در کشور و به‌تبع آن در استان‌ها فعالیت‌هایی را انجام داده و می‌دهند که برخی از آن‌ها عبارت است از: توزیع بسته‌های غذایی بین نیازمندان، معرفی زنان نابارور به مراکز درمانی و پرداخت وام به آن‌ها، کمک‌های درمانی و تأمین هزینه درمانی بیماران بی‌بضاعت است با حمایت خیرین، کمک مالی و انسانی به سیل‌زدگان، تهیه و توزیع ماسک رایگان در بین مردم به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، خدمات مشاوره به خانواده‌ها، ایستگاه‌های صلواتی جشنواره غذاهای بومی و محلی و...

طرح «یاریگران زندگی»، یکی از مشارکت‌های مؤثر در مورد کارکردهای اجتماعی و فرهنگی کانون‌های مسجد است که می‌تواند جدی‌تر گرفته شود. کانون‌ها در این طرح در کنار دیگر سازمان‌ها، با ستاد مبارزه با مواد مخدر همکاری داشته‌اند که جهت بهبود این همکاری و اثربخشی آن، راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌شود؛ در «طرح یاریگران زندگی»، با محوریت دستگاه‌های دولتی (ستاد مبارزه با مواد مخدر و دستگاه‌های مرتبط) و همکاری سمن‌ها و اصناف و گروه‌های اجتماعی، «کاهش اعتیاد و معتادان»، و «کاهش مشکلات معتادان و خانواده‌های درگیر در اعتیاد»، توأمان در نظر گرفته شده است. بنابراین این طرح دو راهبرد پیشگیری و کاهش آسیب و توانمندسازی را در پیش داشته است.

راهبرد فرهنگی-آموزشی، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی که هدف این راهبرد، پیشگیری از وقوع اعتیاد در افراد سالم جامعه است و گروه هدف، افراد، خانواده‌ها و گروه‌های سالم (بخش سالم جامعه) است. مکانیسم‌های اجرایی طرح عبارت است از: اجرای برنامه‌های آموزشی، آگاهی بخشی و ایجاد حساسیت و مسئولیت اجتماعی در محیط‌ها و گروه‌های اجتماعی جهت ممانعت از ورود افراد سالم به فضای اعتیادپرور است. تولید محتوای خلاق متناسب با نوع مخاطبان و گروه‌های اجتماعی هدف در فضای رسانه‌ای و بهره‌گیری از اینترنت، و افزایش ضریب دسترسی به امکانات آموزشی و تبلیغاتی، دیگر مکانیسم اجرایی است. طرح یاریگران زندگی در این راهبرد، اقدامی فرهنگی و آموزشی و پیشگیرانه با اولویت آموزش و پرورش است که مقاطع تحصیلی از پایه ابتدایی تا متوسطه را شامل می‌شود. هدف راهبرد حمایت اجتماعی (کاهش آسیب و توانمندسازی بخش درگیر اعتیاد جامعه)، یاری‌رسانی به قربانیان ناشی از سوء‌مصرف مواد و گروه‌های درگیر اعتیاد، جهت درمان و عدم بازگشت به اعتیاد است. گروه هدف، افراد قربانی و درگیر در معضل اعتیاد مانند خانواده‌ها (بخش آسیب‌دیده جامعه) است؛ مکانیسم‌های اجرای این راهبرد عبارت است از: «درمان و کاهش آسیب و حمایت اجتماعی و توانمندسازی».

در حال حاضر، بخش اصلی طرح در راهبرد فرهنگی و آموزشی و آگاه‌سازی برای پیشگیری از وقوع اعتیاد (در بخش سالم جامعه) به‌ویژه در مدارس و برای دانش‌آموزان کشور است و راهبرد حمایت اجتماعی برای کاهش آسیب و توانمندسازی (بخش آسیب‌دیده جامعه) وزن کمتری در طرح دارد و بنابراین بین دو راهبرد، توازن کافی وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر، عموم اقداماتی که تاکنون شده است، در راستای هدف فرهنگی و آموزشی و آگاه‌سازی در مدارس و مساجد بوده است و اقدامات اجرایی و مالی زیادی در راستای هدف دوم (حمایت اجتماعی از معتادان و خانواده‌های درگیر) انجام نشده است. پیشنهاد می‌شود که طرح یاریگران زندگی، در دو بخش فرهنگ‌سازی و آموزش (بخش سالم جامعه) و حمایت و توانمندسازی (بخش آسیب‌دیده جامعه) توازن داشته باشند و هر دو راهبرد را به یک اندازه در نظر بگیرد و در این زمینه، کانون‌های مساجد نقش پررنگ‌تری داشته باشند.

همچنین اجرای طرح با گسترش همکاری همه ذینفعان (دولت، سمن‌ها و خیریه‌ها، مساجد، مدارس، خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی، اصناف، نخبگان و معتمدان مؤثر محلی، و ...) باهدف پیشگیری (جلوگیری از ورود به اعتیاد) و بازتوانی (درمان و توانمندسازی افراد درگیر در اعتیاد) است. تجربیات جهانی نشان می‌دهد که طرح‌هایی موفق است که دولت بخش اصلی بودجه‌ای و سازمان‌دهی را بر عهده می‌گیرد و بخش مدنی و سمن‌ها با دولت در حوزه‌های شناسایی، آموزش، حمایت و... همکاری می‌کنند. علاوه بر این، سمن‌ها یا همان جامعه مدنی، کارکرد نظارتی بر نحوه سازمان‌دهی و برنامه‌های دولتی را نیز دارند. بنابراین دولت‌محور اصلی و جامعه مدنی مکمل است و بهتر است که سمن‌ها نقش نظارت بر عملکرد سازمان‌ها و نهادی‌های مسئول در این طرح را هم داشته باشند.

در این طرح باید ظرفیت‌سازی فضای مجازی در راستای دو هدف فرهنگ‌سازی و حمایت اجتماعی صورت بگیرد و در هر دو زمینه، کانون‌های مساجد می‌توانند نقش اساسی داشته باشند: گفته شد که طرح یاریگران زندگی، دو هدف پیشگیری (فرهنگی) و حمایت اجتماعی (توانمندسازی) دارد. یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌هایی که طرح به آن توجه دارد، «توجه جدی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت فضای مجازی، در انتقال برنامه‌های فرهنگی و پیشگیری» است. پیشنهاد این است که این ظرفیت‌سازی برای هر دو هدف باشد. ابتدا اینکه در راهبرد حمایت اجتماعی، به افراد و خانواده‌های درگیر در اعتیاد، تسهیلات و تجهیزات ارتباط با فضای مجازی فراهم شود. در ادامه، کانال‌های مشخص در

شبکه‌های اجتماعی، محتوای مشخص و مرتبط با وضعیت خانواده‌ها تولید کند و آن‌ها از طریق گوشی‌های هوشمند، وارد کانال‌های شبکه‌های مجازی شده و آگاهی‌رسانی صورت گیرد. «تشکیل گروه‌های خودیاری» افراد و خانواده‌های درگیر در اعتیاد، هم نیازمند زیرساخت ارتباطی و فضای مجازی و هم آموزش این خانواده‌ها و افراد است. این گروه‌های خودیاری می‌تواند با حمایت و هدایت کانون‌های مساجد صورت بگیرد.

بخش بزرگی از جمعیت مبتلا به اعتیاد و خانواده‌های آن‌ها، از اقشار متوسط فرودست و پایین جامعه هستند. به‌علاوه، شکاف اطلاعاتی (فناوری اطلاعات و ارتباطات) بر این شکاف اقتصادی بار می‌شود و جمعیت عظیمی از این اقشار اجتماعی، فاقد تجهیزات و زیرساخت‌ها و آموزش لازم برای استفاده از این فناوری‌های نوین هستند. این در حالی است که طرح یاریگران زندگی، با رویکرد آموزشی و توانمندسازی «اجتماع‌محور» است. اما اجتماع در جهان واقعی، همیشه و هر لحظه امکان‌پذیر نیست بنابراین، ایران نیز مثل دیگر کشورها، باید به سمت جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی برود و اجتماعات شبکه‌ای بر محور فناوری اطلاعات و ارتباطات، در طرح یاریگران زندگی اهمیت بسیاری دارد. اینجاست که اثربخشی این طرح، نیازمند زیرساخت‌ها، تجهیزات و آموزش اقشار متوسط و فرودست جامعه هم در راهبرد فرهنگ‌سازی و هم در راهبرد حمایتی است و اینجاست که کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد می‌توانند در فرهنگ‌سازی و در حمایت و آموزش در سطح محلات نقش مؤثری داشته باشند.

فرهنگ و هنر برای اقشار فرودست

توصیه سیاستی «فرهنگ و هنر برای اقشار فرودست» در راستای توصیه قبلی است؛ در سطح جهان (و در ایران کمتر)، برنامه‌های فرهنگی و هنری برای کاهش آسیب‌های اجتماعی رونق داشته است. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان تأکید دارند که هنر موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ اما واقعیت این است که فرهنگ و هنر کمتر در دسترس گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر است. مواجهه گروه‌های آسیب‌پذیر در طبقات پایین، کم‌درآمد و فرودست با هنر بسیار محدود است. در کشاکش معیشت اغلب آن‌ها مجال برای پرداختن به هنر دارند امکانی نیز برای مواجهه و دسترسی به هنر ندارند. باین‌حال آن‌ها که امیدشان به آینده است معتقدند اگر کودکان طبقات پایین و حاشیه‌نشین جامعه به فرهنگ هنر دسترسی داشته باشند، می‌توانند خلاقانه‌تر به بازاندیشی در زندگی بپردازند؛ قادر خواهند بود به‌جای مواجهه خشن با جامعه، راهی دیگر بیابند. هنر راهی برای تقویت اعتمادبه‌نفس، خودیابی، اثبات خود به دیگران و تقویت اعتمادبه‌نفس است. در این بستر است که زمینه آموختن مهارت‌های شغلی ایجاد می‌شود. منظور از هنر، آنچه جامعه تخصصی هنرمندان «اثر هنری» می‌دانند نیست بلکه تجربه‌ای فرهنگی است و هنرمند، تسهیل‌گر این تجربه است. مخاطبان، به‌جای مواجهه بیگانه شده و ناآشنا با آثار هنری (که در موزه‌ها و گالری‌ها مقبولیت دارند)، در فرایند خلق اثر سهیم هستند و در ساخت آن مشارکت دارند. هنرمند، مخاطب و اثربخشی از یک تجربه فرهنگی هستند؛ این‌گونه است که افراد طبقات فرودست با هم گره می‌خورند و آن را از آن خود می‌دانند.

کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد می‌توانند پرچم‌دار هنر برای طبقات و اقشار ضعیف جامعه باشند و عدالت هنری و فرهنگی را در سطح محلات مناطق کل کشور ترویج کنند. عدالت هنری را در دو بخش می‌توان تفکیک کرد: تلاش برای عدالت توزیعی فرهنگ و هنر؛ فعالان هنری در کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد با تأکید بر طبقات پایین، حاشیه‌نشین و فرودست، توجه برنامه‌ریزان را به نابرابری در توزیع خدمات و امکانات در لایه‌های پایین جامعه جلب کنند.

تسهیلگری برای فرودستان و درمانگری اجتماعی: هنرمندان مستقیماً به خلق هنر با مشارکت آسیب‌دیدگان می‌پردازند. هنرمندان تسهیلگر عواطف، زبان و بیان سرکوب‌شده طبقات پایین می‌شوند و به آن‌ها کمک می‌کنند هنر را همچون درمانگر بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی به کار گیرند. در ایران چون توزیع مراکز هنری در کشور، در استان‌ها و در

شهرهای بزرگ برابر نیست، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور می‌توانند این کاستی را جبران کنند و اقشار طبقات و مناطق محروم را به فعالیت‌های فرهنگی و هنری سوق دهند و این راهبردی اساسی هم در عدالت فرهنگی و هم در اثربخشی کانون‌ها خواهد بود.



هدف این گزارش، بررسی و تحلیل عملکرد «ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» و «کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» بر اساس داده‌ها و اطلاعات گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ پس از توصیف وضع موجود، بر اساس یافته‌های گزارش، پیشنهادهایی راهبردی در جهت افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد ارائه می‌شود.



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
دانشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی